

متن پرسش

سلام: با توجه به سوال قبل اثر حسان بن ثابت اینقدر که من دیدم نظم محسوب می‌شود نه شعر، شعر کلام خیال انگیز است به اثر توجه کنیم کاملاً جملات را فقط در قالب وزن ریخته اند ینادیهم یوم الغدیر نبیهم بخم و اکرم بالنبی منادیا یقول فمّن مولاکم و ولیکم فقالوا و لم یبدوا هناک التعدادیا الهک مولانا و انت ولینا و لن تجدن منا لک الیوم عاصیا فقال له: قم یا علی فاننی رضیتک من بعدی اماما و هادیا فمّن کنت مولاه فهذا ولیه فکونوا له أتباع صدق موالیا هناک دعا اللهم وال ولیه و کن للذی عادى علیا معادیا اما حضرت فکر نکنم گفته باشند حضرت جبرئیل کمک کرده است بلکه فرمودند «لا تزال یا حسان مؤیداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانک» گویا دعایست برای آینده ی ایشان بنابراین شعر ممدوح اسلام را تشریح فرمایید. اگر این نظم بالا مطلوبست جایگاه سخن ارسطو چیست که شعر را گویا کلام مخیل می‌دانند همچنین بحث هنر برای هنر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مخیل بودن شعر بحثی نیست، بحث در خیالی است که متعالی است یا خیالی که منجر به اشعاری می‌شود که قرآن در وصف شاعران آن اشعار می‌فرماید: «وَالشُّعْرَاءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. و این غیر از آن است که رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: **إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِکْمَةً** ؛ برخی از شعرها حکمت است. آری! «آن خیالاتی که دام اولیاست / عکس مه رویان بستان خداست» .

با توجه به فرمایش رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌توان فهمید امکان آن که شاعر در تأیید الهی شعر بسراید، هست. موفق باشید